

آبادستگاه تصفیه میشود...

در مدت دو ماه زائد بر دویت فر از قضاات از مسند قضا «برکنار شدند و انحلال دیوان کشور بر این تعداد» خواهد افزود. مقارن تصفیه قوه قضائیه امواج «خفیف و آرام تصفیه در بعضی دستگاههای دیگر نیز» مشهود است. در شهر بانی و شهرداری عدهای باز نشسته «گردیده اند. در وزارت دارائی و وزارت خارجه» و جاهای دیگر از سازمانهای جدید و تقلیل کارمندان «صحبت میشود کمیسیون مخصوص تدوین قانون» «استخدام کار خود را بیابان رسانیده است و باین» «ترتیب مسئله ای مطرح میگردد: آیا تصفیه دستگاه» «دولتی که دکتر مصدق با دقت و آرامش خاص» «خود بان دست زده است مقدمه تحولات بزرگتری» «خواهد بود و آیا تصفیه دادگستری نمونه تصفیه» «دستگاه دولتی است؟ و باز آید شرایط کنونی» «و با توجه به روش مخصوصی که دکتر مصدق در» «سیاست داخلی پیش گرفته است تمهید اختیارات» «ضرورت اساسی دارد؟»

تعلیق رابطه سیاسی و توفیق موقتی مسئله نفت دست و بال دکتر مصدق را بلاغره با مورد داخلی مملکت آورده نود و کسی که بر بانه دولت خود را در بینه در صحنه؟

چرا مقاله نویسان بسوی آینده...

به «نیروی سوم» حمله میکنند؟

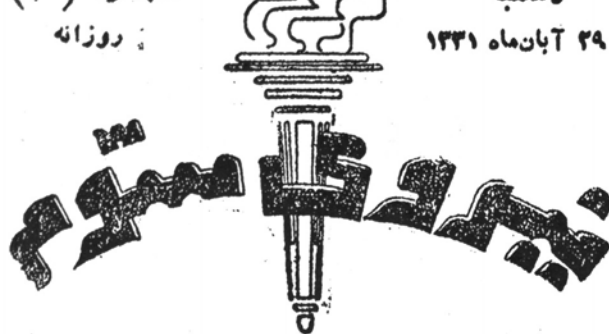
روزنامه ایگه با صحنه بندی واسلوب تازه ای میخواند نقش جدیدی را در عالم بیست و نهم بازی کند. به مقاله روز هوشنه ما بسخت انتقاد کرده بود: حقیقت اینست که این روزنامه و سایر روزنامه هائی که بهرچ مقامات ماوراء مرزها اداره میشوند، از بحث ها و ستیالاتیکه مادریش بای آقایان ناطقین و ملکه الشعراء ای در بار کلمین میگذازم سخت دروختت و هراسند. ناراحتی آن ها واضح است. «مسلماً و نه اینکه دشمن را با اسامی خود او فاکتور میکنند» دیوانه تر میشود. قست هائیکه ما بعنوان «بدون تمسیر» در روزنامه خود درج میکنیم شاهد زنده ای از این ترس و وحشت است.

نویسنده گان هزار رنگ بسوی آینده و جنگ قلم و شاهره پیروزی نسبت به بریه از مقامات، «ادبانه ای و آزاد پیخواه و مستدل» ایران، تاکنون هزار عقیده متضاد ابراز کرده اند.

بکروزی همین درباریکه امروز آنرا باین شدت و وسعتی می گویند در روزنامه های خود تعلق میکنند:

دکتر مصدق را یگانه مرد آزاد پیخواهی که یک تنه در برابر مظالم استبداد و استبداد بیگانه مبارزه میکنم معرفی میشود؛ در مقاله های خود امر بکار میبندند و از قوا و السلطنه تعلق میکنند.

بالا تر از اینها اعضای کمیته مرکزی حزب توده در مقالات خود شمال ایران را در حریم امنیت شوروی قلمداد کرده و حق تسلط بقیه در صحنه؟



روز میشود
ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران
زحمتکشان ایران متحد شوید

شاهره پیروزی بجای «جنگ قلم» برای مبارزه
با نیروی سوم، بروی اهب چوبی چیده است
مولود جدید «پیشاهنگ طبقه کارگر» نقش ماورر کن دور ابازی میکنند

دستگاه رهبری حزب توده، بسوی
آینده را توقیف کرده است!
برونی کیوت های روسی، برای اصلاح نژاد کیوت های
ایرانی بکشور ما وارد خواهند شد
(بانک رک) و (بانک گوشت) و (بانک استخوان)
از رک و پوست و استخوان شیوخ تشکیل میشود

زنده باد احمد شریعت زاده، مشاور احمد قوام السلطنه
و مشعلدار بزرگ راه صلح!
(فرمان) «اعتراف کرده است که در برابر
نسل آینده مسئول و مقصر است»

دقیقه بعد، وقتیکه «پیک» خبر آورد که
با کمال تأسف و «جنگ قلم» از طرف رهبر بانی بدام
توقیف افتاده و بپیران این شاه به خوشبختانه
نوزاد دیگری از بطن «والده» خارج شده
است. از حالت انتظار بیرون آمدیم و خود
را آماده پیکار با مولود جدید کردیم.
«شاهره پیروزی» هم گذشته از آنکه از حقیقت
صورت ظاهر به خوبی منقود، شباهت داشت
از نظر سازه بزرگ چنگی و سلاح هائی که
برای «مبارزه» با نیروی سوم بخود آورده
بود، و بجای «جنگ قلم» اداعت.
بقیه در صحنه؟

این روزها هوا خیلی سرد شده و
دل آدم تیره که زیاد دم بساط روز نامه
فروش بایستد و جرابه را در برسی نماید
بهین دلیل صبح که از منزل بیرون آمدم
بکروزنامه از روزنامه فروش سر محل
خریدم و از دم بساطش بلافاصله رود شده در
حین رد شدن روزنامه فروش طبق عادت
همیشگی دادند. «هه، مره آسیا، شاهد
چنگ قلم ۱۱ زیاد باین جریده نوظهور
توجه نکردم چون سرگرم مطالعه روزنامه
بودم وقتی ادم بساط روز نامه فروش
دیگری رد شد صداد شاهد، مره آسیا
داد. بسوی آینده!!!

حقیقت بالملح چه کدی خاصی
است که امروز بر دای روزنامه فروشها
«جنگ قلم و بسوی آینده» افزوده شده!
خواه و ناخواه نزدیک بساط شدم و جرابه
را بردم کردم دیدم خبری از بسوی آینده
نیست ولی روزنامه ای که ستون بندهش تقریباً
شبه به «نیروی سوم» است بپیشام
خودم آنهم از آن جهت که سه چهار بار
در تیر سر مقاله به «نیروی سوم» تارقاتی
درج در صحنه؟

بازگشت از شوروی
این ترجمه را بچشم هائیکه هنوز بسته است هدیه میکنم
ترجمه جلال آل احمد
۰.۲.۰
درس ۳

کند و کا و روزنامه ها!
مولود جدید «پیشاهنگ طبقه کارگر» نقش ماورر کن دور ابازی میکنند

دستگاه رهبری حزب توده، بسوی
آینده را توقیف کرده است!
برونی کیوت های روسی، برای اصلاح نژاد کیوت های
ایرانی بکشور ما وارد خواهند شد
(بانک رک) و (بانک گوشت) و (بانک استخوان)
از رک و پوست و استخوان شیوخ تشکیل میشود

زنده باد احمد شریعت زاده، مشاور احمد قوام السلطنه
و مشعلدار بزرگ راه صلح!
(فرمان) «اعتراف کرده است که در برابر
نسل آینده مسئول و مقصر است»

دقیقه بعد، وقتیکه «پیک» خبر آورد که
با کمال تأسف و «جنگ قلم» از طرف رهبر بانی بدام
توقیف افتاده و بپیران این شاه به خوشبختانه
نوزاد دیگری از بطن «والده» خارج شده
است. از حالت انتظار بیرون آمدیم و خود
را آماده پیکار با مولود جدید کردیم.
«شاهره پیروزی» هم گذشته از آنکه از حقیقت
صورت ظاهر به خوبی منقود، شباهت داشت
از نظر سازه بزرگ چنگی و سلاح هائی که
برای «مبارزه» با نیروی سوم بخود آورده
بود، و بجای «جنگ قلم» اداعت.
بقیه در صحنه؟

این روزها هوا خیلی سرد شده و
دل آدم تیره که زیاد دم بساط روز نامه
فروش بایستد و جرابه را در برسی نماید
بهین دلیل صبح که از منزل بیرون آمدم
بکروزنامه از روزنامه فروش سر محل
خریدم و از دم بساطش بلافاصله رود شده در
حین رد شدن روزنامه فروش طبق عادت
همیشگی دادند. «هه، مره آسیا، شاهد
چنگ قلم ۱۱ زیاد باین جریده نوظهور
توجه نکردم چون سرگرم مطالعه روزنامه
بودم وقتی ادم بساط روز نامه فروش
دیگری رد شد صداد شاهد، مره آسیا
داد. بسوی آینده!!!

حقیقت بالملح چه کدی خاصی
است که امروز بر دای روزنامه فروشها
«جنگ قلم و بسوی آینده» افزوده شده!
خواه و ناخواه نزدیک بساط شدم و جرابه
را بردم کردم دیدم خبری از بسوی آینده
نیست ولی روزنامه ای که ستون بندهش تقریباً
شبه به «نیروی سوم» است بپیشام
خودم آنهم از آن جهت که سه چهار بار
در تیر سر مقاله به «نیروی سوم» تارقاتی
درج در صحنه؟

بازگشت از شوروی
این ترجمه را بچشم هائیکه هنوز بسته است هدیه میکنم
ترجمه جلال آل احمد
۰.۲.۰
درس ۳

تهدید مدت اختیارات نخست وزیر از طرف جبهه ملی
پیشنهاد خواهد گردید دولت ایران از دولت انگلیس سازمان ملل متحد
شکایت خواهد کرد - در ملاقات ترومن و آیزنهاور چه نکاتی
مورد بحث قرار خواهد گرفت - توده ایها امضای آیت الله کاشانی را جعل
میکنند - نخست وزیر اقدامات سه ماهه دولت را به مجلس گزارش میدهد
مالیات برارث افزایش می یابد - اعلامیه آیت الله کاشانی

تمهید مدت اختیارات نخست وزیر از طرف جبهه ملی پیشنهاد
خواهد گردید
گرچه هیچک از اعضای جبهه ی ملی حاضر نشدند از جریان مذاکرات
جلسه پریش جبهه که در منزل دکتر فاطمی تشکیل شده بود،
اطلاعاتی در اختیار خبرنگاران نگذاشتند، معذک خبرنگار ما بطور خصوصی کتب
اطلاع نموده است که در جلسه مزبور علاوه بر اوضاع جاری کشور مسائل مربوط
بجبهه که مورد بحث قرار گرفته است، از موضوع تمهید اختیارات نخست وزیر
بیز مطالبی بیان آمده است
بقیه در صحنه؟

قابل توجه شرکت
ملی نفت
بوضع بهداری اسلحه
سازی رسیدگی کنید

چند خبر از آبادان رسیده
که همه حکایت از بی نظمی در کار
قسمت های از ارکان های شرکت ملی
نفت دارد.
مثلاً در کار کربنی فشار بکارگران
زیاد است، بدون جهت کارگران را جریه
میکند، اشتباهات کوچک، جریه های
بزرگ دارد. حتی بعضی از این جرائم را
قبیل کسر حقوق تا ده روز هم ادامه
میآید.
بقیه در صحنه؟

بدون تمسیر
یک نمونه از تملقات دیر و زحمت توده
به آمریکا
نقل از شماره ۱۶۶ روزنامه مردم

«...مملت آمریکا که از دسته های آزاد پیخواه کلیه مردم جهان
تشکیل شده در کلیه مبارزات سیاسی در صف آزاد پیخواهان قرار
گرفته و همه وقت به حمایت از ستند یگان سلاح در دست گرفته و در
مقابل شرو باطل از حق و عدالت دفاع کرده اند، یک نکته که نظیر آن
در تاریخ هیچ کشوری سابقه ندارد آنستکه این ملت تا بحال در کلیه
جنگ هائی که بشظور غلبه حق بر باطل در آنها شرکت کرده پیروزمند
شده و همیشه توانسته است ستمگران و فاسد بین حقوق را سر کوب کند ام
...»
توضیح: نظیر جوانان کول خورده ای داکه بدنیال ایده آل
وایدنولوژی انسانی و علمی خود به حزب توده رفته اند، به مندرجات
بالا جلب می کنیم، تا بداند که سران حزب توده بفرمان ادبایان
سیاسی خود متابعت از بیانیهای سیاسی روز میکنند، روزی از آمریکا
تملق میکنند و چاپلوسی مینمایند و روز دیگر بر طبق منافع شوروی
به آمریکا فحش و ناسزا میدهند، این لیدرها، برای رسیدن به هدف
عالی که شما بظواهر آن بدنیال آنها رفته اید مبارزه نمیکنند، و لااقل
باید بداند آنها بانشیت باین وسایل مزدورانه و غیر شرافتمندانه
میخواهند توده های محروم ایران و شما را به هدف عالی بشری و
عدالت سوسیالیستی برسانند!!!

وضع بازار
علت اساسی ترقی اسعار چیست؟
آیا دولت قادر است از ادامه این وضع جلوگیری
کند؟ راه جلوگیری از ادامه این جریان چیست؟
در چند روز اخیر بازار وضع صعبی
بخود گرفته است و قیمت کالاها بطرز صعب
و غریبی بطور تصاعدی بالا رفته و بیکبار

ناصر رضائی
جوانان حزب ما واقعیت های زندگی
را در میدان مبارزات اجتماعی در تماس با دهقانان
و کارگران درک میکنند و به نقش و عظمت
طبقه وسیع دهقانی حزب واقف اند
شخصیت ها در تمام مراحل مبارزه نمیتوانند پایای
جریان پیش بروند،

ضرورتی بوده که حزب زحمتکشان
ملت ایران بوجود آمده و تا زمانی که
این ضرورت باقی است حزب ما بایز وجود
خواهد داشت.
تحوالاتی که اخیراً در داخل حزب ما

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

گندو گاو روزنامه ها

بقیه از صفحه ۱
همان ششیر واسب جویی، همان زده و کلاه خود حلبی، و همان دشته نقری، اسلحه «شاهراه بیروزی» را در مقابلش با نیروی سوم تشکیل میداده، و در باطنش که شمشیر را بدور سر میچرخانید و وارد میدان میشد، حاشا میخواند:

«نیروی سوم در همین حال که میکوشد با هزاران برده، پیوند خود را با امیربالیست ها پیوشاند و زهر ایدئولوژی بورژوازی را بنام «ایده های سوسیالیستی» بکام طبقات زحمتکش وطن ما بریزد، هنگامی که با اطمینان مواجعه میشود... بیشتر برده ز چهره خورش برمیگردد و ادامه میدهد «خائنین بطیغه کارگر که امروز ماسک نری سوم بچهره خود زده اند (پس معلوم میشود که حتی با اعتراف ناوارش ها نیروی سوم هرگز بطیغه کارگر شیانت نی کند و به همین دلیل هم میتواند مانند ماسکی بچهره خائنین بطیغه کارگر کشیده شود)»

وقتی شاهراه بیروزی را از میدان نبرد، با کفش و کلاه دریده پلانه خودروانه ساختیم، فوراً سر و کله خلع سلاح پیدا شد که برخلاف رفیقش «خلع سلاح» شده بود و از شاخه پنهان که گندو کجایی وقتی بسکوت شهباز نگرست و مشاهده کرد که از گان جمعیت «ملی» هیچگونه اسلحه ای در اختیار ندارد، محس جوانمردی و ترسش تحریک شد و قرار گذاشت تاغیر از نقل گفته های او، کار دیگری بکارش نداشته باشد.

خلع سلاح در دو مقاله از صفحه اول خود، امیربالیست امریکسا را سخت مورد حمله قرار داده و با تصریح این نکته که نفوذ اقتصادی امریکا با نفوذ سیاسی آن دولت همراه است.

اصولاً سیاست و اقتصاد نمی تواند از هم جدا باشد، بلکه مفاسد پدیدمی آید و هر دو با هم در پیوسته است. امریکا با پولیس و رکن دو، متمم خواهد کرد، در پاسخ آن قسمت از مقاله بیروزی ما، که نوشته بودیم:

«مقاله نویسان بسوی آینده میکوشند دولت مصدق مرزهای کشور را پروری میدهد و همه را جواب بدهد»

می نویسند:

«تردید نیست که هر گونه تحول اقتصادی باید بر پایه صنعتی کردن کشور قرار گیرد و بخاطر همین است که ما (مگر شما مقاله نویسی بسوی آینده هستید؛ کسی باشا صحبت نیکرد) ده ده گشته ایم برای حصول این مقصود باید مرزهای کشور پروری و ادرات از کشورهای امیربالیستی و دودرجه اول پروری تهاجم کالاهای آمریکائی بسته میشود.»

بدین ترتیب، پیوسته گان شاهراه بیروزی بدست پولیس و رکن دو ممدورکی برای توفیق روزنامه خودشان میدهند و مسلم میسازند که شاهراه بیروزی بجای بسوی آینده منتشر میشود و به همین دلیل هم وقتی صحبت از مقاله نویسان بسوی آینده بیان می آید آنها خودشان را توسط میاندازدند و از تقریرات قلمی خودشان دفاع میکنند.

اما حقیقت آنستکه اکنون دیگر «بسوی آینده» ای وجود ندارد و آن روزنامه ای که پیش از هفتاد بار از طرف حکومت قزاقی دستسکاه شهربانی بستان توقیف کشیده شد و هفتاد بار برای آزاد دست آنها بی تهاجماتهای زیر زمین و به آغوش «پیشاهنگ» پناه برد، حالا بوسیله دستسکاه رهبری حزب توده و بوسیله همین «پیشاهنگ» بستان توقیف کشیده شده است و فقدان چندروزه بسوی آینده ثابت میکند تا کنونی که این روزنامه در زمان قبل از توقیف، اتخاذ کرده بود، حتی از نظر صاحب منصبان «حزب کبیر» هم نادرست و غلط بوده است.

بهین جهت است که «آقایان» با کنار گذاشتن مسئله «سلطنت» فعلاً مجبور شده اند از راه دیگری وارد میدان شوند و آن جوش و حرارتی را که تا هفته قبل، در مخالفت با «صاحبان دهمین» نشان میدادند، بیک سکوت مودبانه تبدیل سازند.

شاهراه بیروزی در جای دیگر، باز هم در لباس حه بزوری سوم می نویسد:

«توده های منت از مدتها پیش از گان-ها و تاسیسات ارتجاعی و طرفدار سیاست بیگانه را شناخته اند... توده های زحمتکش وطن ما «حزب زحمتکش» را چه قبل و چه بعد از انشقاق بعنوان یک ارکان ارتجاعی و طرفدار سیاست بیگانه (امیربالیسم امریکا) شناخته»

اما شاهراه بیروزی فراموش کرده است که «توده های زحمتکش وطن ما» بلا فاصله بعد از روی کار آمدن قوام بطرف حزب زحمتکش «این «ارکان ارتجاعی و طرفدار سیاست بیگانه» هست» اختلاف دراز کردند و با اسرار و سماجت عجیبی قیای آنرا برای تشکیل «جبهه

واحد ضد استعمار» دوستی چسبیدند و پدینوسیه (اگر ادعای شاهراه بیروزی (صاحب بدین) علنا از مزدوران امیربالیسم امریکا تقاضای همکاری و معاضدت

تا یادم نرفته بگویم که همین دادخبر واده است که اخیراً در امریکا بانگهای بنام «بانک پوست» و «بانک رک» و «بانک استوان» تشکیل شده و در این بانگها از گوشت و پوست و رک مردگان

چند خبر در چند سطر حجاز از قول «مصلحت» خبر داده است که احمد شریعت زاده مشاور احمد قوام السلطنه ریاست شورای ملی صلح ایران انتخاب شده است.

درد بر احمد شریعت زاده پیشاهنگ طبقه کارگر، زنده باد احمد قوام السلطنه دوست صمیمی احمد شریعت زاده، کین و نفرت برد کتر مصدق دشمن طبقه کارگر!

رنک قلم

بقیه از صفحه ۱
نسبت داده بود علاوه بر آن واژه فرهنگ، پیشنازبون تاخواهی در تیرتیر دیده میشد. جرات نکردم که از روزنامه فروش سوال کنم تا پاسوی آینده همین است زیرا گمان بردم که شاید پیشنازی درجیع باشد و بگوید: «به پولیس راه نشان میدهم» و درست به ندای روزنامه توجه کردم و وقت داد. شامه. مرد آسیا... جنک قلم ۱۱ در همین بین «رنده» ببار خود گرفتند رنک قلم ۱۱ عوض شده

بلا کتم با لعلج همانطور که سرمای این راه برای ما غیر منتظره بود جنک قلم و رنک قلم، رندهم برایمان غیر مترقبه است. نگاهی که حاکی از انتظار توضیح زیادتری بود باو کردم گفتم چوکه است موضوع... سانیه زیادی رفت از مبارزات پیشنازی نمونه هایمان کرد مثلا می گفت «رهبر اینکه درجه سر لشکری داشته و دم دامن قاجارها بزرگ شده بودند و از مردم دور بودند گمان میکردند حکومت مصدق هم مثل حکومت «جناب اخرف» است از این لحاظ هر توطئه ای که لازم بود برای سقوط مصدق بکار بردند و نقشه بر دانه خود را اجرا کردند ولی... موضوع ما به سی تیر کشید و اینجا گفتم «بد کتر مصدق که از او انوکریست امیربالیسم و طرفدارانش را او باشا خطاب میکردند پیشنازادان شد و نوشتند و برخواستند گفتند در اثر فشار انکار صومی مصدق ۱۶۷۱ رای تایل گرفت.

خلاصه خیلی گفتم و سرما دود گرفت زیر ما حل مشکل خودمان را از او خواسته بودیم گفتم رفیق عزیز از اینها هم اطلاع داری و مثل «زیره» که بکرمان میبری میماند توضیح واضحی از اینها نکوت صبر کن «منده» بر اصل مطلب است «ادامه داد که آن توست و صدای بر پیوه هادو آمد که ای بابا این چه جور دستگامه هری است بکروز آنطور و امروز اینطور میکوشند فردا با همین دستگامه می خواهیم انقلاب خلق ۱۱ راه رهبری کنیم از این داد و پندادهای سرگجه مبتلی نشان کردند آنها که سر لشکر بودند «دوی» نظامی آمدند و سوزیل همام «تیش» مامانی سادراتی» را وعده دادند ولی با همه اینها صدای تک توکی خوا پی درخشند برای بقیه فکری اندیشیدند نتیجه گرفتند که باید مثل جمعیت کذایی و پوست پینه ازیم اینهم مستلزم مقدمات بود نقشه کشیدند صحنه سازی کردند و لباس مظلومیت پوشیدند خیلی کارها کردند تا موفق شدند «رنک قلم» خود را عوض کنند و خاطره گذشته «جنک قلمی» را از یاد زبر و جبهه گشته و ملت ایران بیزند زیرا مرتجعین دموکرات نواح ملت ایران را فراموش کرد می دانند ولی با همه اینها کور خوانند»

همینجا وسط حرفش دویدم گفتم ولی خودمانم «برو بجه» خودشان را بفراموش کاری میزنند.

گفت اشتباه تو همین جاست بسیاری از چشم ما بر اثر جنک قلمی باشد و چشمهای دیگری با «جنک قلم» های جدید می شود مثل «مسجعی که خود ساختند و باید بر کبر خودشان بزند» اگر چه رنک قلم عوض شود.

ولی روزنامه فروش سرشام آباداد میزند. نیروی سوم جنک قلم...

و با اشغاس پیر برای پیوند با شخص جوان و زنده و انجام اعمال جراحی، استفاده میشود.

گندو کجایی پیشنهاد میکنند که هر چه زودتر شیوخ بازنشته باخان جناب عبیدی نوری و «مصلحت» های از بیل هاشمی حائری امریکا عزیمت کنند و گوشت و پوست و رک خود را در اختیار بانگهای مزبور بگذارند تا آنرا از این راه خدمتی به عالم بشریت انجام داده باشند!

چند خبر در چند سطر حجاز از قول «مصلحت» خبر داده است که احمد شریعت زاده مشاور احمد قوام السلطنه ریاست شورای ملی صلح ایران انتخاب شده است.

درد بر احمد شریعت زاده پیشاهنگ طبقه کارگر، زنده باد احمد قوام السلطنه دوست صمیمی احمد شریعت زاده، کین و نفرت برد کتر مصدق دشمن طبقه کارگر!

سیاست ما خبر داده است که داد گاه مسکو

جوانان حزب ما

بقیه از صفحه ۱
توده های که اساس و پایه معرکه جریان را تشکیل میدهند عاجز باشند و نتوانند خود را با جریان منطبق کنند و رنک محیط را بخود بگیرند. خواه و ناخواه از جریان کناره گیری خواهند کرد و در صورت مقاومت خردنایب خواهند شد و هر چه قدر این تحولات داخلی سریعتر انجام پذیرد نیروی فعالیت های حزبی در اصطلاح داخلی از بین نخواهد رفت و بهره برداری از نتیجه فعالیت ها روز بروز بیشتر و محسوس تر خواهد بود.

در جریان مبارزه انفرادی بعضی فزاد مترقی می یابند و در ابتدای امر سعی میکنند که ظریفات شخصی و تمایلات فردی و باطنی خود را در تشکیلات تعین کنند و یاد جریان مبارزه دچار افزش های انحرافی و غیره شوند چون فعالیت آنها در مقابل فعالیت های توده های انقلابی حزب میسر نیست تا جاسار کناره گیری میکنند. اینجا غالباً کسانی هستند که طرز تفکر جمعی و روشنی ندارند و از درک صحیح تحولات اجتماعی عاجزند - فکر نمیکنند که اگر روزی بنا بر سبب موقتی کسب کردند آنموقیت نتیجه هم آهنگی با محیط بوده و در مراحل بعدی باید نحوه مبارزه فرق کنند.

جریانات اخیر حزب ما نشان داد آنها که هست غرور شخصیت و جاه طلبی خود گردنند در گرداب پدنامی و سقوط پرتاب خواهند شد و آنها آن رسد که بدین گران رسید!

در یک حزب پشرو که در آن میلیون ها دهقان و دهها هزار کارگر و هزاران روشنفکر که آرزو های غصوه را مجسم میکنند و بار نهضت را بدوش خود میکنند خوب وظیفه خود آشنا هستند و مطالعه تحولات بطنی دنیا نشان میدهند که دانشجویان و دانش آموزان و سایر طبقات روشنفکر پر رنگترین بخش تشکیلاتی را بازی میکنند - جوانانی که امروز در حزب (مستکشان ملت ایران) گرد آمده اند تنها با کتاب مطالعه سروکار دارند و تنها در گوشه کتابخانه های کسرد کسرتند.

در کنج منازل خود کتاب «دولت و انقلاب» را ورق نمی زنند و در شبکه های از تصورات و خیالات واهی خود معصوم نیستند و منتظر ایجاد یک انقلاب صادراتی بدست ارتش سرخ نمی باشند!

جوانان ما، دانشجویان ما، امیرت بیچاره ما، سلبی ها، واقیت زندگی را در تماس با دهقانان و کارگران دردیابند - لذت زندگی و مفهوم واقعی آن را در برخورد با دهقانان و کارگران درک میکنند - از خلال فرضیه ها و کتابها تجاوز کرده و از پشت میله های دانشگاه با آینده خود نگریاند در همین حال که مبارزات طبقاتی را با هم میگیرند این مبارزه را از میان کتابها و بحث های دانشگاهی و دراجبهای بی تربیعتی دهات و کارخانه ها هیرام میبرند - کارگر متحرک و سازماندهای تشکیل میدهند که هر کجا وارد میشوند میسازند و از عوامل زیانکار و تبلیغات کاذب جلوگیری میکنند و ماسک از چهره و غلامان و وطن پروران و بیگانه بر ستیان

دیس اباد شماره ۱ پرورش طیور در ۱ بجرم اینکه بعضی از جوجه مرغها را بنوع خود دزدیده و خورده است بدوازه سال حبس محکوم ساخته است.

(المهمه علی الراوی)

همین روز نامه در سرمقاله خود ادعا میکند که ما باید پاره چین را پیش بگیریم (یعنی بشودوی ملحق بشویم) و پاره را ترک نکریم.

دیگر چرا در راه تکیه را یعنی میفرماید برویم طوق بندگی امریکای انگلیس را تا اوما بگردن بگیریم!

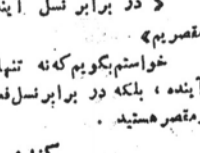
یکی از خوانندگان هم خبر میدهد که فرمان در آخرین شماره خود نوشته است:

«در برابر نسل آینده مسئول و مقصریم»

خواستیم بگویم که نه تنها در برابر نسل آینده، بلکه در برابر نسل فعلی هم مسئول و مقصر هستیم.



شماره خود نوشته است:



گندو کجایی

بحر روز

بقیه از صفحه ۱
نیروی سوم قاجان از مرزهای کشور خارج می کنند و بطور مصنوعی بازارهای بیرون را که ما امروز با آن دست بگریان هستیم بوجود می آورند و در باره کالاهای خارجی نیز بدون اینکه بهای خرید و نظار گرفته شود و سودی عادلانه روی آن بیاید بهر نحوی که بخواهند جنس خود را میفرورهند در اینجا باید تذکر داده شود که موجدین این حالت آنهایی هستند که دارای سرمایه های کلانی هستند و مستقیماً از خارج اجناس را خریداری میکنند و بازرگانان دست دوم دارند امر دخالت چندانی ندارند و اگر هم داشته باشند بسیار ناچیز است بلکه میتوان گفت که پیشه و دران جزء نیز تحت سلطه استعمار و تجار کل قرار دارند.

حال باید دید آیا دولت قادر است و می تواند که بازار سیاه تصنی را از بین ببرد و از غارت بیشتر مردم دستا شتی نفع طلب جلوگیری نماید یا نه؟ بنظر ما جواب این سوال وقتی می تواند مثبت باشد که دولت با دستکاه مرتب و منظم و صالحی مجهز باشد و ماجور در شاهراه های گذشته درباره خریداری دستکاه با بطور مفصل بحث کرده ایم از این رو تنها با این موضوع قناعت میکنیم که شه های درباره طرقتی که برای جلوگیری از ادامه و تشدید این وضع بنظر ما منبسطه بیان کنیم

این وضع چیست؟
۱ - دولت و شهرداری باید برای تعیین اسما و جلوگیری از گران اجناس یکدستکاه منظم و مرتب بوجود آورد و اسما را بطور دقیق تعیین و برای اطلاع عموم آگهی کند و قوانین متیاضی برای تادیب و مجازات گران فروشان تهیه و تدوین نماید.

۲ - برای ثابت کردن و جلوگیری نمودن از گران بی حد و حصر کالاهای خارجی هم دولت باید دستکاه مرتب بوجود آورد که بتواند بهای خریداری شده اجناس خارجی را تعیین نماید و پس از وضع معارج راه و کرایه سودی عادلانه نیز برای وارد کنندگان قابل شود بطور خلاصه نظر ما اینست که گران فعلی کاملاً ساختگی است و هیچ علت اساسی ندارد و دولت با تادیب و کوشش قادر است که از ادامه این جریان جلوگیری کند.

قابل توجه اعضای کمیته جیت سازی از آقایان اعضای کمیته کارخانه جیت سازی تقاضا میشود ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه بدیر خانه تشکیلات کارگری مراجعه نمایند.

مسئول تشکیلات کارگری

آگهی از عموم هنرمندان حزب دعوت میشود که امروز ساعت ۶ نیم بعد از ظهر در کمیسیون تبلیغات حضور بهم رسانند.

مسئول کمیسیون

کلاس های مبارزه با بیسوادی همه روزه از ساعت ۷ نیم در کلوب مرکزی دابراست کلبه بی سوادان می تواند در این کلاسها شرکت نمایند.

مسئول کلاس سازمان نیکجو

قابل توجه اعضای حزب از کلبه آفتابنیکه ما بلاندر کلاس کادر کارگری شرکت نمایند دعوت می شود که برای ثبت نام همه روزه از ساعت ۷ الی ۷ بعد از ظهر بدیر خانه تشکیلات کارگری مراجعه نمایند.

مسئول دبیر خانه تشکیلات کارگری

آگهی از کلبه آفتابان تجارهای عضو حزب دعوت میشود که برای امر لازمی ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه بدیر خانه تشکیلات کارگری مراجعه نمایند.

مسئول تشکیلات کارگری

قابل توجه اعضای کلاس کادر کارگری دوین جلسه کلاس کادر کارگری ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه تشکیل میشود حضور کلیه اعضا ضروری است تشکیلات کارگری

لباسهای فصل بر ای تمام طبقات، پارچه خوب و خت و قیمت ارزان در جنرال مدلاله زار گوچه برلن تلفن ۳۲۹۹۲

اخبار مخصوص

بقیه از صفحه ۱

موضوع اینکه آیا تمدید مدت اختیارات از طرف نخست وزیر پیشنهاد گردیده و یا از جانب جبهه ملی عنوان شود، دو نظر مورد بحث بوده است که میباید روی یکی از آنها موافقت حاصل گردد...

دولت ایران از دولت انگلیس بسازمایل متعهد شکایت خواهد کرد

در محافل دولتی موضوع شکایت دولت ایران از دولت انگلیس بسازمایل متعهد امری حتمی و ضروری اعلام گردیده است. در این شکایت موضوع پشتیبانی و حمایت ظالمانه انگلستان از شرکت سابق نفت و همچنین تضییقات اقتصادی و سیاسی انگلستان علیه ایران که بمنظور حمایت از شرکت سابق اعمال گردیده است، عنوان خواهد گردید...

در ملاقات ترومن - ایزنهاور چه نکاتی مورد بحث قرار گرفت؟

در ملاقاتی که روز سه شنبه بین ترومن و ایزنهاور رئیس جمهوری آینده امریکا صورت گرفت، نکات متعددی که مورد بحث و تبادل نظر واقع شد، عبارت بود از موضوع نفت ایران، قضیه کره و پایان دادن جنگ در آن سرزمین، بحران روابط فرانسه و امریکا در قضیه آفریقای شمالی، استفاده از بوم بیدرزی در صنایع جنگی و موضوع کمکهای نظامی و فنی امریکا بکشورهای خارجی بوده است...

نخست وزیر نتیجه اقدامات سه ماه اخیر دولت را به مجلس گزارش میدهد

آقای نخست وزیر تصمیم دارند که گزارش اقدامات دولت را در سه ماه اخیر هر چه زودتر تنظیم و بمجلس گزارش نمایند. این گزارش حاوی اقداماتی خواهد بود که دولت در وزارتخانه های مختلف بعمل آورده و با روی لوایح تصویب شده از طرف شخص نخست وزیر عمل گردیده است...

توده های امضای آیت الله کاشانی را جعل میکنند

در گوشه های تاریک حزب توده بمنظور دست انداز برای کنفرانس صلح ملی با دوستان و یاران توده میگوشت تا فرنی را که مردم از او دارند، با استفاده از اعتبار و وجه زهبران ملی، از نظر مردم بیوشاند، حتی میگوشت «کنفرانس وین» را بکل جعلی از «بلوک شرقی» دولت شوروی معرفی نماید...

مالیات بر ارث افزایش مییابد

کسب اطلاع شده است در لایحه اصلاحی قانون مالیات بر ارث حد اقل میزان مالیات افزایش یافته و بهمان نسبت بارنام دیگر نیز افزوده شده است. این میزان به نسبتهای مین بالا رفته و این نسبت از حد اقل مالیات تا رقم بالا بیک نسبت افزایش یافته است.

اعلامیه آیت الله کاشانی خطاب بهمردم

حضرت آیت الله کاشانی طی اعلامیهی مفصلی از اهالی تهران و شهرستان هادخواست نموده اند که در این فصل سال بدر ماندگان کمک نمایند و وجوهی بهمین منظور در اختیار هیئت های منتخب در هر بخش بگذارند.

باطلاع عموم مشترکین میرسد

در صورتیکه حد اکثر تا ساعت ده صبح روزنامه شما رسیده بفلن شماره ۳۵۶۵۵ اطلاع میدهد.

اداره نیروی سوم

در حاشیه حوادث

بقیه از صفحه ۱

افشاشات برداشته ای در شهرهای لندن شرق واقع در ایالت کاپ و کبری شهرالماس بوقوع پیوست. شدت این وقایع در کبری بیشتر بود و طی آن ۱۸ نفر کشته و ۴۰ نفر زخمی شده اند.

انتخابات شهر داریهای آلمان

در انتخابات دموکراتها در انتخابات شهرداری منطقه بروم پیشرفت کردند اما نتوانستند در جبهه دموکراتهای مسیحی شکافی ایجاد کنند.

جانشین دکتر شوماخر

در انتخابات تکمیلی حوزه (هانوفر) نیز پیشرفت سوسیالیستها ثابت شده است و این حوزه کاندیدی سوسیالیست بعنوان جانشین دکتر شوماخر حاضر ۹۹ درصد آرا شد.

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگسلاوی

کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگسلاوی بر همکاری وسیع با نیرو های مترقی دموکراتیک و بخصوص نیرو های سوسیالیستی و کارگری مورد تصویب قراردادها و کارگری مورد تصویب قراردادها و کارگری مورد تصویب قراردادها...

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

تصمیمات کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی

کنگره حزب کمونیست یوگسلاوی بکارهای جاری خاتمه داده و صدور نفرات و اعضا جدید کمیته مرکزی حزب را انتخاب نمودند و مارشال تیتو مجدداً انتخاب گردید.

مطالعه ای در اوضاع

بقیه از صفحه ۱

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

مطالعه ای در اوضاع

دسته دوم است و بلاوه کار گران دسته اول از مقررات قانون کار و بیمه استفاده می کنند و شرائط و بهداشت محل کار آنان نیز تا اندازه ای رضایت بخش است و بهیچوجه قابل مقایسه با وضع کار دسته دوم نمی باشد.

آندره ژید

«۲»

بازگشت از شوروی

ترجمه جلال آل احمد این ترجمه را بچشم هائی که هنوز بسته است هدیه می کنم ج. آ. ح.

من همیشه احترام کرده ام که میل بیگدانه ماندن در افکار و عقاید خویش پارچماندن در غالب اوقات خطر دورماندن از صمیمیت و صداقت را به همراه خواهد داشت و بنظر من اگر قرار باشد انسان در عقاید خود صمیمی باشد چه بهتر که در موفقی این صداقت و صمیمیت را نشان بدهد که ایمان عدّه زیادی از دیگران نیز وابسته بقایید انسان باشد.

اگر من در آغاز امر در اشتباه بودم بهتر اینست که هر چه زودتر بطلای خود بی بستم چون بخصوص در این مورد من مسئول نتایج هستم که این اشتباه بیار خواهد آورد. در این مورد خود خواهی من مورد بحث نیست گذشته از اینکه من بسیار کم خود خواه بوده ام. در نظر من چه بسا مسائلی هست که بسیار از شخصی خود اهمیت بیشتری دارد. مسائلی که حتی از اتحاد جماهیر شوروی اهمیت بیشتری دارد. و آن انسانیت و فرهنگ بشری است.

ولی اما واقعا من در آغاز امر اشتباه میکردم؟ کسانیکه تکامل اتحاد جماهیر شوروی را انلا از بحال پیش تا کنون با علاقه دنبال کرده اند خواهند گفت که آیا این مورد هم که تغییر کرده ام و یا اتحاد جماهیر شوروی را البته غرض من از اتحاد جماهیر شوروی حکومتی است که آن را اداره میکند و دیگران که بیش از من مصلحت دارند باید بگویند که این تغییر ظاهر امر آیا واقعا یک تغییر ظاهری است یا نه و اگر آنچه در نظر ما بعنوان غرض عین و یا سر بیجی تلقی میشود آیا در حقیقت نتایج جبری و حتمی برخی عمل قبلی نیست.

اتحاد جماهیر شوروی در حال ساختمان است، لازم است که این مطلب را دائما تکرار کرد. و از همین جهت است که میل و علاقه استثنائی آدم بسافرت پروردی این سرزمین وسیع و باردار انگیزه میشود. چنین بنظر میرسد که با ساری بان دیار انسان در مراسم وضع حمل آینده شرکت میکند.

در شوروی هم خوب هست و هم بد. می باید می گفتیم هم عالی هست و هم بسیار بد. آنچه عالی است اغلب اوقات بقیت کوشش های عظیم بدست آمده. اما کوشش نیز همیشه در همه جا آنچه را که انتظار می رفته است حاصل کند بدست نی آورده.

و گاهی آدم فکر میکند که هنوز نه. گاهی نیز آنچه بسیار بد است در این مورد به همراه آنچه بسیار عالی است می آید و آدم بخودش میگوید ناچار این نتیجه آن است.

در آنچه باید بشدت ناراحت کننده ای از درخشان ترین مسائل گذشت و بسراغ تیره ترین آنها رفت. غالباً چنین اتفاق می افتد که مسافر بر حسب دلایل قبلی که در دست دارد تنها نسبت به آن دسته از مسائل و یا نسبت به این دسته دیگر علاقه بخرج میدهند.

بسیار اتفاق افتاده است که هواداران اتحاد جماهیر شوروی در سفر های خود با آنچه از بازدید چیز های بدر سرباز میزنند یا انلا از علم به آن ها خود داری می کنند.

و کار بیجائی رسیده است که غالب اوقات حقایق امور اتحاد جماهیر شوروی با کینه و دروغهای در باره آن با عشق بر زبان آورده میشود. از این جهت فکرم بر چنین اساسی قرار داشت که بعدی ترین توجه خود را نسبت به مسائلی بخرج بدم که میخوانم همیشه مورد تأیید شان قرار بدهم. عشق خویش را با حد و توان محدود کردن یعنی درک نکردن صحیح آن عشق.

ومن گمان می کنم اگر دور از من تصنع و مجامله ای در باره شوروی حرف بزنم نه تنها خدمتی نسبت به آن انجام داده ام بلکه حتی نسبت به مدنی که اتحاد شوروی از آن دم میزند نیز خدمت کرده ام.

من درست بملت احترامی که برای اتحاد جماهیر شوروی قائم و درست بملت برتری هائی که شوروی تا کنون توانسته است بدست بیاورد بخود حق می دهم که زبان بانقد از آن بکشایم.

و نیز باین علت که ما هنوز هم انتظارات بیشتری از شوروی داریم و بخصوص بملت آنچه که امیدواری نسبت به آنرا شوروی بنا داده است.

چه کسی می تواند بگوید که اتحاد جماهیر شوروی در نظر ما چه منزلی داشته است. صرف نظر از حزب انتخاباتی - اتحاد شوروی در نظر ما چه منزلی بوده است. رهنمایی بوده. آنچه در خوابمان میدیده ایم و بسختی چرک میگردانیم که در انتظارش باشیم - آنچه که از راه و نیروی مانتوجه آن بوده است - اینها همه در اتحاد جماهیر شوروی بود که بوقوع پیوست - با بنظر بق اتحاد جماهیر شوروی در نظر ما سرزمینی بود که مدینه فاضله قدام در آن کم کم بداشت صورت واقع بخود میگرفت. تحقق یافتن مسائل عظیم در آنچه قلوب ما را آکنده از نیاز می ساخت. بنظر میرسد که سخت ترین و دشوار ترین مسائل در آنجا حل شده است و ما شادمانه در این ماجرا بسر میبریم که بنام تمام ملل رنج دیده و دردمند به اتحاد جماهیر شوروی وابستگی هائی باید داشته باشیم.

امادر و رشکستکی تا کی میتوانیم همینگونه خود را مقید و وابسته احساس کنیم؟ و این تنها فکر و رشکستکی است که از دسترسر به دور است.

اگر برخی نوبدهای غیر رسمی جامه حل بخود پوشیده است که را باید مقصر دانست و متمم شناختن آناخاط مشی های اولیه را باید مسئول این وقایع دانست یا همتر از آن خود انحراف هارا - هتاکا هارا - و قرار ومدار های توجیه شده ای را که میگردانند؟

من اکنون تفکرات شخصی خویش را در باره آنچه که اتحاد جماهیر شوروی را خوش آیند است و از نشان دادن آنها غروری بحق باو دست نیافته و بیواژات این مسائل تفکرات خود را در باره آنچه که شخصاً توانسته ام ببینم می نگارم. آنچه در اتحاد جماهیر شوروی تحقق یافته در اغلب موارد احترام انگیز است. هم اکنون در واحی مختلف مملکت ظواهر خندان سادت بچشم میخورد. وقتی در «کنکو» بسر میبرم و برای جستجوی حقایق امور از اتومبیل حکام و فرمانداران جدا میشدم و براهه - با هر کسی که در دسترس بود باب مراد را باز میکردم - کسانیکه در آن هنگام مراد این طرز جستجوی حقیقت تأیید میکردند آیا از اینکه وقتی به شوروی رفته ام نیز چنین دلهره ای را داشته ام سرزنش خواهند کرد؟ و آیا از اینکه نگذاشته ام در طول این سفر چشمهایم از ظواهر امر و رخیره شومر را ملامت خواهند کرد؟

امروز ساعت ۶ بعد از ظهر حوزه نمونه (گویندگان) تشکیل می شود

از کلیه اعضای هیئت اجرایی، منتخبین شورای فعالین، گویندگان حوزه ها، مسئولین کمیته های کارگری دهقانی، مسئولین مطبوعات و نشریات حزبی دعوت میشود که در جلسه حوزه نمونه امروز شرکت نمایند.

غیبت مسئولین شدیداً مورد مواخذه قرار خواهد گرفت. مسئول تشکیلات تهران - پیداریان

چاپ شرکت مطبوعات

بهای اشتراك: سالیانه ۴۰۰ ریال ، ششماهه ۲۴۰ ریال سه ماهه ۱۴۰ ریال

آیا دستگاه تصفیه میشود

روزهای اول حمل-سنگه نشت و تنظیم تانوم انتخاب اعلام نموده بود و اجباراً به سیاست داخلی و انجام اصلاحاتی مشغول گردید که از بدو نضت مورد آرزوی مردم قرار داشت.

بکمال ونیم قبل از این مردم ایران خواهان تصفیه دستگاه دولت و طرد افراد عناصر ناپاک و ملوک بودند که امروز دکتر مصدق کم و بیش دست رد بینه آنها میگذارد. مابدون اینکه عقیده داشته باشیم در آن روز چنین اقداماتی امکان نداشت از تصیفات امروز دولت دکتر مصدق ستایش میکنیم.

«نزد آرزوی آزادبخواهان این بود که بدستگاه فرسوده دولتی که مدت پنجاه سال در خدمت استعمار بوده است انجام اصلاحات و ادامه بکزندگی آزاد و مستقل برای مردم ایران میسر نیست.

امروز که صاحب منصبان انگلیسی شرکت سابق اخراج شده اند در کنسولگری های انگلیس را دولت بسته است و لایحه ترمیم و تسلیح و تسلیح شده برای کنترل اقتصاد و تجدید استقلال ایران بپوشانده بود تعطیل شده برای بکشته اقدامات و اصلاحات مقدماتی احتیاج به تصفیه دستگاه پیش از سابق محسوس است.

دکتر مصدق قبل از همه چیز به تصفیه قوه قضائیه پرداخت و این هم يك امر منطقی بود. آنجائی که باید سر نوشت مختلسین و رشوه خواران و خائنین بکشور و ملت و دزدان و قتلها تعیین شود قبل از هر چیز باید خودش پاک و مزره باشد و کسانی که از لحاظ راه و روش زندگی و طرز عمل با متهمین فرق و امتیازی ندارند بر مسند قضاوت نشسته باشند.

با دستگاه فعلی و ابزار و آلات موجود دکتر مصدق این کار را شروع کرد و با توجه به تمام امکانات و تقاضای موجود باید گفت خوب هم آنرا با انجام رسانید ، در ظرف دو ماه یعنی از اول مهر ماه گذشته تعداد دویست قضاوت سابق از کار قضاوت برکنار شدند. قریب اشتباه در این تصفیه از پنج درصد تجاوز نمیکند یعنی عبارات آخری پنج درصد از کسانی که تصفیه شده اند مظلوم هستند و پنج درصد از قضاتی که اکنون بر مسند قضا تکیه زده اند شاید شایستگی این شغل را ندارند. این میزان تقریبی اشتباه را، ماقابل قبول و غیر قابل اجتناب میدانیم آقای وزیر دادگستری باید کوشش داشته باشد از این میزان کاسته شود.

ظاهراً هیئت تصفیه که بکار قضاوت رسیدگی میکرد قلمش در مورد قضاوت دیوان کشور گنبد بوده است و با اینکه علی رغم صراحت قانون کنار گذاردن مستشاران دیوان کشور و هردیف نمودن آنها با قضاوت استینای و شهرستان يك عمل قابل توصیه محسوب نمیشده. لایحه جدید انحلال دیوان کشور و محاکم انتظامی این تصفیه را بر طرف میسازد و بکسانی که بکروز با حیثیت قضاوت بازی میکردند و تامین قضائی مردم را بنفع هیئت حاکمه متزلزل میساختند و امروز بر صندلیهای دیوان کشور تکیه کرده اند درس خوبی میدهند.

اگر تصفیه دستگاه دادگستری را صرف نظر از اینکه یکی از نضت محراب و پاکدامن منصفی کار بوده است نمونه تصفیه دستگاه دولتی بگیریم نتایج قابل توجه سودمندی را میتوان پیش بینی کرد.

در حدود یکصد و سی هزار نفر بنام کارمند دولت از خزانه قهر و جیبهای خالی مردم این کشور حقوق دریافت میدارند. ما به پیوسته عقده بنقلیل کارمندان دولت به دور تکیه بعضی از مفسدین و مفسدین دست نشاندهگان کینفرم ترمیم میکنند ندانیم. برای خدماتیکه در این کشور باید انجام شود بدون شک وجود و فعالیت این همه مفید می تواند باشد ولی موضوع تصفیه دستگاههای دولتی با تقلیل کارمندان نباید اشتباه شود.

پس از تنظیم سازمان های جدید و وزارتخانه ها که ناگزیر با جوانی مردم ما و احتیاجات ضروری روزانه تناسب خواهد داشت عده ای از کارمندان فعلی دولت زائد خواهند بود. این عده را بیکار نباید کرد و بخواه نیاید فرستاد. بلکه باید از وجود آنها برای تأییدات اجباری در سراسر کشور استفاده نمود و با درکارهای تولیدی کشور مشغول شوند.

ولی قبل از تنظیم سازمان های جدید و کنار دادن اشخاص بکار ما تصفیه ای صورت خواهد گرفت و این تصفیه اجباراً شامل سه دسته از کارمندان خواهد گردید.

در میان کارمندان دولت عده ای یافت میشوند که یا از راه استخدام دولتی و بوسیله آن و یا شخصاً دارای ثروت کافی شده اند و بیش از این احتیاجی بحقوق دولت ندارند دست دوم کسانی هستند که بواسطه کبر سن و طول مدت خدمت وضعف و پیری فرسوده و از کار افتاده هستند و مدت ها است نمی توانند قهقی بپردازند و بدستگاه برسانند و بالاخره دست سوم آن عده از کارمندان دزد و رشوه خوار و سوء استفاده چینی هستند که این عادت طبیعت ثانوی آنها شده است و زندگی با اصطلاح راسته حسینی دیگر از آنها بر نمی آید دولت ناگزیر است این هرسه دسته را از کار برکنار کند و دام مردم و خزانه را از چنگ آنها برهاند.

بنظر ما يك قانون عمومی که کارمندان بزرگسالان و در ایدای بیست و پنج سال سابقه خدمت باشند باز نشسته نماید و این باز نشستگی هم اجباری باشد در

اخبار کارگری

اکنون خبر دیگری از مهابجا بما رسیده است که بنوبه خود جالب توجه است. عده ای از کارگران که به پیوسته استحقاق ندارند همه ماهه معافی مرضی میگیرند در صورتیکه اگر یکی از کارگرانی که (مورد نظر) نیست ، چهار مرضی شود حتی يك روز هم نمی تواند معافی مرضی اخذ کند.

اخیراً در کارخانه بازی دیگری آغاز کرده اند ، آنها هر کارگری را که ده دقیقه دیر آمده باشد مطابق بیست دقیقه جریمه می کنند ، جریمه هم بانواع و اقسام رواج دارد.

دعوض اگر یکی از همان (مورد نظر) ها (نصف روز هم در سر کار خود حاضر نشود ، يك ساعت هم او داجریمه نمیکند)

بیشتر کارگران با بنوع اعتراض دارند. آنها از کارگرفتنی شکایت میکنند اما نتیجه ای نگرفته اند.

در شعبه روشن سازی بریم هم در قسمت تعمیرات بکارگران فشار می آورند. کارگران در مقابل فشارهای ناروایی که آنها وارد میشود از مقامات مسئول شرکت ملی نفت تقاضای رسیدگی کرده اند.

مستاجرین خانه های کارون هم همچنان در فشار صاحبان خانه ها بسر میبرند. تاکنون کمترین توجهی بوضع آنها نشده است ، صاحبان شرکت کارون هم از این بی توجهی مقامات شرکت بزرگترین استفاده را میبرند.

کارگران شهرداری آبادان هم زندگی خوبی ندارند. اداره کارگری توجهی بکارگران شهرداری ندارد.

کارگران شهرداری تقاضای بیمه و صندوق تعاون دارند.

بهتر است در بر آوردن خواسته های کارگران هر چه زودتر نهادهای اساسی بر داشته شود و اگر نه باید نیست کارگران در اثر عدم توجه دست با اقدامات ناسا مناسب بزنند که در این موقع بصلاح کشور نیست.

وضع پذیرائی از مریض هم بسیار نامطلوب و دلخراش است. عیال و اولاد کارگران مریض باید ساعتها در حیاط و راهرو و ایوان بمانند تا نوشتن برسد.

وقتی هم که با اصطلاح ممانینه شدند، هر کدامشان فقط يك نسخه ۲ یا سه ریالی در دست دارند که اغلب آن نسخه ها یا گرد است یا قرص بی ارزش یا باید دانست که کارگران هر یک در ماه از ۳۰ الی ۶۰ ریال بولیمه میدهند و آنوقت وضع بهداری آنها هم اینست!

امید داریم که روسای محترم کارخانه اسلحه سازی بوضع بهداری کارخانه بیشتر رسیدگی کنند.

در دنباله خبری که راجع بوضع بیمارستان اسلحه سازی نوشتیم ،

يك كتاب تازه بزودی
از : ژان پل سارتر

دشمنهای آلوده

ترجمه جلال آل احمد

در ۱۵۴ صفحه - ۳۰ ریال - از نیروی سوم وعلم و زندگی
و نایند کبای آنها مطالبه کنید ۵۰۳

درجه اول احتیاج و ضرورت قرار گرفته است. کارمندان غیر و ترو تروند را هم باید بهانه هایمان فرستاد و با ایجاد تامین قضائی در کشور بکریک کشیدن پشتهای دولتی را بنظر تامین حقوق و موقیتهای شخصی از سر آنها بیرون آورد.

باین ترتیب کار تصفیه پایان خواهد یافت و باین ترتیب دکتر مصدق آرام و آهسته ولی بطور مداوم و لایتنقطع در کار اجرای نقشه های اصلاحی است و آرزوهای مردم را یکی پس از دیگری ناتانی و تندییر انجام میدهد. مسئله دیگری که مورد بحث ما است از همین جانشانی میشود.

حالا نزدیک بیست ماه است ملت ایران زمامداری دکتر مصدق را از نزدیک دیده و سنجیده است. بیست ماه است طبقات متوسط و زحمتکش ایران آرزوها و افکار خود را در شخصیت دکتر مصدق مجسم و متراکز ساخته اند و برای هر چیز چشم بدست آورده اند. نتیجه تجربه بیست ماهه ملت ایران این است که دکتر مصدق با روشهای آرام و سنجیده و اقدامات ملایم و تدریجی آشنائی آموخته بتما یلی دارد و جز در مواردی که شرایط و ضروریات او را اجبار نمایند از روش کلی خود دست بردار نیست ولی در عین حال این روش ملایم و پرتانی آمیخته با حزم و احتیاط فراوان است و پیوسته موفقیت را تضمین نهوده است.

تنها با در نظر گرفتن این آزمایش بیست ماهه و موفقیت خطر کشور و تحطال رجال یعنی کله است که مسئله تعدید اختیارات مطرح میگردد.

هر سه در نظر بگیریم که اقدامات دکتر مصدق پیوسته با موفقیت قطعی توأم بوده است و هر گاه در نظر بگیریم که برای حل مسئله نفت هیچ يك از افرا دهیئت حاکمه ایران صلاحیت ندارند و با هر گاه با واقع بینی و عاقبت اندیشی در نظر به بگیریم که عجزالتا سیستم حکومت غربی در ایران نمی تواند وجود پیدا کند و روسای دولتها ناگزیر بخودشان و با بکارشان متکی خواهند بود و روشهای خسته و مایوس کننده پارلمانی نیز نوید بخش سرعت زیاد تر و تحولات سهل الوصول تری نیست باین نتیجه میرسیم که تعدید اختیارات دکتر مصدق فکر صحیحی است و در شرایط تاریخی امروز ملت جز از این راه نمیتواند وارد شود.

دکتر مصدق قبل از دست زدن با اصلاحات دیگر دستگاه را تصفیه خواهد نمود چرا که نیز قبل از شکافتن بوضع بیاد ادوات کار خود را میپوشانند و به اصطلاح میکرب گیری می کنند.

بدون تصفیه دستگاه و بدون میکرب گیری آلات جراحی هیچ اصلاحی صورت پذیر نیست و هر جراحی بزرگ منتهی میشود.

ملت ایران وظیفه دارد در این مرحله باتمامتوی از دکتر مصدق پشتیبانی کند و اختیارات لازم را با دزدائی دارد

چرا مقاله نویسان بسوی آینده

و کنترل شوروی را بر شمال ایران برسمیت می شناختند و تنها باین موضوع قناعت نکرده و بلکه می نوشتند همانطور که ما برای انگلستان اختیاراتی در جنوب ایران قائلیم ، برای شوروی هم اختیاراتی در شمال می شناسیم و بر دولت ایران است که قناعت شمال را به شوروی وقت جنوب را به آمریکا و انگلیس بدهد

ملاحظه می کنید همین آقایان مقاله نویسان بسوی آینده و چنگ قلم صریحاً از زبان احسان طبری برای آمریکا! آمریکا! آمریکا! و چنگ افروز حتوفی نسبت به ثروت ملی ایران قائل شده و به دولت امر می دهند که برای آمریکا هم در قبال روسیه و انگلستان حصه ای قائل شود.

با همه اینها با همه این انحرافات ، و خیانتها با زمامتیم که از نظر مقاله نویسان چنگ قلم و شاهراه بیروزی خائن و نوکر امپریالیسم آمریکا میباشیم. ما امروز طرفدار بسط نفوذ سیاست آمریکا شده ایم ، ما خائن به توده های ایران هستیم.

اراکسانی که به شهادت مندرجات روزنامه های دهر و مردم و بسوی آینده و شبها ، هر لحظه بشکلی در آمده و هر دقیقه رنگ تازه بخود گرفته اند آزادبخواه و خادم توده ها و شکننده بش استعمار هستند!

بقول خود مقاله نویسان بسوی آینده لبه تیز حله آزادبخواهان ، بسوی نیروی سوم است.

برای اینکه نیروی سوم است که تقاضات و دورنگی هارا نشان می دهد.

مگر مادر سرقاله پر پر روز خود چه نوشته بودیم که روزنامه شاهراه بیروزی داهراسان کرده بود؟

ما نوشته بودیم: تأسیسات ارتجاعی در ایران شناخته شده اند و توده ملت برای آنها محلی در اجتماع مانعی شناسد ملت آماده پیشروی بسوی اصلاحات است این اصلاحات باید بر منابع توده ها و برای توده ها باشد این اصلاحات باید اجتماع ایران را بسوی سوسیالیسم رهبری کند یعنی به از کوییده شدن استعمار خارجی و روسائی عوامل آن و پیدایش انکار عمومی و قدرت خلافت آن ، چیزی برای زمامداران ایران باقی نماند مگر اصلاحات : اصلاحات بر محور سوسیالیسم یعنی تبدیل فاصله طبقاتی و تحول سیستم های اداری و مالکیت و اقتصادی و سرمایه داری بنفع طبقه سوم و کارگر و دهقان حرف ما اینست که چطور ممکن است زمامداران ایران با این آمادگی از جریانات و تئیاقتات سیاست بین المللی غافل بوده تنها به درسبزی که مقاله نویسان

بسوی آینده نشان می دهند، اکتفا کنند؟

باید از این مقاله نویسان فراموشکار پرسید مگر شما نبودید که مصدق را در جریان مذاکرات نفت سازشکار می خوانند به؟ چطور شد که دکتر مصدق با آن سابق آزادبخواهی که شما در سرمقاله هایمان توصیف می کردید، سازش کار از آب در نیامد و نفت ایران را با امپریالیسم امریکا فروخت

مگر همین دکتر مصدق نیست که امروز دست بصفیبه دستگاه دولت زده است ، مگر همین دکتر مصدق نیست که سنادا تعطیل کرد و وزارت چنگ را از نیول ارتجاعیون خارج کرد.

مامی گوئیم ایران احتیاج بواردات از نوع ماشین دارد تا اقتصاد خود را احیا کند ، و شما این را تصدیق کردید ، مامی گوئیم که ایران احتیاج بیکاری اقتصادی با دول دیگر دارد و شما هم این را تصدیق کردید خوب در قبال همه این احتیاجاتی که امروز ملت ایران برای احیای اقتصاد صنعتی و زراعتی خود دارد روسیه شوروی چه مساعدتی بایران کرده است.

وقت ما را خریده است؟ طلاهای ما را پس داده است؟ مساعدت های اقتصادی بکار کرده است؟ قاضی خود را در دیوان لاهه به طرفداری از ما واداشته است؟

در مبارزه بر علیه انگلستان، ما را تقویت کرده است؟ شما ، طرفداران روسیه شوروی، با ملت ایران همگام و همقدم بر علیه انگلیس مبارزه کردید؟

بالاخره چه کردید ؟

ما خائن و سازشکار و طرفدار امپریالیسم آمریکا اما شما چه کردید؟ ممکن است کارنامه خدمات خود را بملت ایران مخصوصاً در مسئله نفت انتشار بدهید، تا ما هم بدنبال شماره ایتیم و ملت ایران هم خائن و خادم هرد و را بشناسد.

شما طرفدار آن انقلاب و تجولی هستید که زمینه آماده را، بنفع شما و از کون کند و شما بتوانید پرواضع مسلط شوید ،

اما ما طرفدار انقلابی که شما میخواهید نیستیم ما طرفدار خراب کردن بدون نقشه نی باشیم ما عقیده داریم که باید نقش ساختمان را درست کرد آنوقت بگوییم این بنای فرسوده و خراب برداشته شود و بنای جدید که ما می گوئیم، منتهی خود را بهیالالت میزند ما طرفدار مداخله آمریکا در ایران نیستیم، طرفدار تفرقه و پیمان بین اجنماعی ما نیروهای استعمار را از هر قبل و دسته ای که باشد محکوم میکنم.

اما مامی گوئیم ؛ اجتماعي را که آماده پذیرش اصلاحات است، باید با نقشه اصلاح کردنه با انقلابی که راه را برای ورود متخصصین و مستشاران روسی باز نماید!

ما بگوئیم، مستشاران آمریکایی را باید از ایران بیرون کرد اما این بیرون کردن باید ضامتی هم داشته باشد؛ آقایان مقاله نویسان بسوی آینده : آن موامله که نگذاشت تأسیسات ارتجاعی اجتماع ما بدادز واقعه سی تیر برای اید از دستگاه دولتی مارشک کن شود؛ شما بودید شما بودید که آنها را برای مدتی بقا کردید، وطن پروری و خیانت شایده که ملت را از رسیدن به پهنای اساسی خود مانع شد با تمام اینها، باز ما طرفدار آمریکا هستیم و سران حزب توده و تقسیم کنندگان ایران و کسانی که برای آمریکا و انگلیس و شوروی در ایران منافی قائلند، آزادبخواه و دشمن امپریالیسم هستند.

ملت پیدا ایران قاضی حقیقی و عادل گفته ما وادعا های شما و مبارزات شرافتمندانه ما است

سخنی با همکاران مطبوعاتی

از عموم مدیران جراید روزانه و هفتگی و مجلات تهران و شهرستانها تقاضا میشود يك شماره از نشریه خود را برای قرائت خانه ما ارسال فرمایند

۵ - ۴